

## ماده 11 قانون مسئولیت مدنی و مقایسه آن با مسئولیت نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات

مسعود احمدی راد

کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی

### چکیده

گسترده‌ی فعالیت های سازمان نیروهای مسلح از یکسو و میزان بالای اختیارات و قدرت آن در امر و نهی به پرسنل و کارکنان از سوی دیگر، باعث شده است که همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان این سازمان وجود داشته باشد. سازمان نیروی مسلح در رهگذر انجام وظایف خود ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورد، که این خسارت در حوزه مسئولیت کیفری و مدنی مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به اهمیت آن در این پژوهش هدف بررسی ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مقایسه آن با مسئولیت نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل است که با روش توصیفی-تحلیلی که متضمن مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون مرتبط است مورد تبیین قرار گرفت و یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مواردی وجود دارد که سازمان نیروی مسلح علیرغم ورود زیان، مسئول شناخته نمی‌شود که این موارد را می‌توان چنین برشمرد تقصیر زیان‌دیده، فعل ثالث و علل موجه مانند دفاع مشروع، اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار...؛ با توجه به منطوق و روح حاکم بر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، توضیح سه نکته ضروری به نظر می‌رسد اول اینکه، مبنای مسئولیت در این ماده بر نظریه تقصیر استوار شده و تقصیر شخصی از تقصیر دولتی تفکیک گردیده است. در ماده ۵۹ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح به صراحت از مسئولیت مدنی فرماندهان در قبال مسایل ایمنی صحبت به میان آمده است. دوم اینکه، مسئولیت دولت فقط شامل اعمال تصدی‌گری آن می‌شود و در اعمال حاکمیت، هر چند موجب زیان عده‌ای باشد، مسئولیتی برعهده دولت نیست. مطلب دیگر این است که، در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نسبت به حالتی که زیان وارده ناشی از تقصیر کارمند و مامور دولت و همچنین مربوط به نقص وسایل اداره نباشد، یا خسارت ناشی از سوء مدیریت و تدبیر باشد، لذا در اینگونه موارد حکمی ندارد. لذا در اینگونه موارد باید براساس اصول کلی مسئولیت و عنداللزوم با مراجعه به قوانین خاص دیگر به موضوع رسیدگی شود. از آنجا که هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده است که پس از احراز وجود ارکان آن مطرح می‌گردد. جبران خسارت از زیان‌دیده به اشکال مختلفی ممکن است انجام پذیرد که شامل بازگرداندن وضع پیشین زیان‌دیده، جبران خسارت دادن معادل به زیان‌دیده می‌باشد؛ که در جبران خسارت بدنی که برای پرسنل سازمان نیروهای مسلح بیشترین نوع خسارت هستند، در بیشتر موارد باز گرداندن وضعی زیان‌دیده به صورت پیشین امکان‌پذیر نیست و معمولاً خسارات وارده به پول تبدیل گردیده و به زیان‌دیده بی‌گناه به جهت جبران خسارت او پرداخت می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، مسئولیت نیروهای مسلح، صدمه و خسارات.

### 1. مقدمه

مسئولیت مدنی هنگامی محقق می‌شود که فرد یا افرادی به دیگری خسارتی وارد کنند. بنابراین تحقق مسئولیت قانونی منوط به ورود زیان به افراد یا جامعه است. در مسئولیت مدنی خسارت وارده به جامعه مطرح نیست بلکه زیان خصوصی یا زیان وارد



به فرد موردنظر است. اما این مسئولیت مختص اشخاص حقیقی نیست بلکه اشخاص حقوقی، دولت و کارمندان دولت نیز از این مسئولیت مبرا نیستند. چنانچه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و مؤسسات وابسته به آنان که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤولیت جبران خسارات وارده هستند. ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده، بلکه مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی ...» واژه کارمندان دولت در صدر ماده فوق، ترکیب اضافی است که به صورت جمع به کار رفته و حسب ظاهر شامل کلیه اشخاص حقیقی که در دستگاه دولت به عنوان بارزترین فرد شخص حقوقی، حقوق عمومی و به معنی اعم از قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مؤسسات وابسته به دولت به کار مشغولند، می‌گردد؛ هر چند آنچه که در بدو امر از واژه کارمند متبادر به ذهن می‌شود کارمند و پرسنل رسمی دولت است. ولی چون کلمه کارمند به صورت مطلق به کار رفته و مقید به قید و وصفی نگردیده، علی‌الظاهر اشخاصی را که به صورت گوناگون و تحت‌شمول کلیه مقررات و قوانین استخدامی در خدمت دولت هستند (اعم از روزمزد، پیمانی، خرید خدمتی و غیره) دربر می‌گیرد. گذشته از کارمندان دولت این ماده کارکنان نیروی مسلح و مؤسسات وابسته را که یکی از انواع مؤسسات عمومی است نیز شامل می‌گردد. اعمال هر نوع حاکمیت، مستلزم داشتن قدرت و توانایی کافی است. یکی از راههای تحکیم این قدرت، حمایت از امانت‌داران قدرت، که همان مأموران دولتی (نیروهای مسلح) هستند، می‌باشد. نهادهای جمهوری اسلامی به ویژه نیروهای مسلح عدالت‌محور و خدمتگزار، وظیفه سنگین صیانت از ارزش‌های انسانی و اسلامی جامعه، استقرار نظم، امنیت و تأمین اسایش عمومی و فردی و وظایف دیگری را برعهده دارند و در این راستا کارکنان نیروهای مسلح در چه در داخل کشور و چه در مرزها همواره مورد تعرض، تعهدی و رفتارهای پرخاشگرانه منحرفان و بزه‌کاران قرار می‌گیرند. (بیرانوند، ۱۳۹۷: ۱۱). پلیس به عنوان بازوی اجرایی دولت و حکومت برای اجرای برقراری نظم و امنیت جامعه، ممکن است در حین انجام وظیفه و اعمال اختیار، صدماتی بر او وارد شود و در حقیقت اعمال و اقدامات پلیس که در محدوده وظایف قانونی صورت می‌گیرد سبب ورود خسارات و صدمات جسمانی و مالی به پرسنل نیروهای مسلح می‌شود. بنابراین در چنین مواردی بایستی از این اقدامات نیروهای مسلح که در راستای انجام وظایف و استقرار نظم و امنیت و آسایش عمومی و فردی در جامعه بوده و در محدوده قانونی صورت گرفته، حمایت کرد تا ترس ناشی از صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل نیروهای مسلح، آن‌ها را از وظایف اصلی خود دور نسازد (طالبی‌اقدم، ۱۳۹۱: ۸). این امر مستلزم آن است که نظام یا فرایند خاصی طراحی شود و مصونیت‌های قانونی خاص در محدوده انجام وظایف قانونی برای پلیس ایجاد گردد تا پرسنل آن بتوانند زیر چتر حمایت قانون بدون دغدغه خاطر، مسئولیت‌ها و وظایف خطیر خود را به نحو احسن انجام دهند که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بررسی همه‌جانبه در خصوص صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل نیروهای مسلح می‌باشد. البته شایان ذکر است که ماده یازدهم از قانون مسئولیت مدنی مصوب سال یکهزار و سیصد و سی و نه اشعار می‌دارد: کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند؛ برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۵۲) حکم این ماده را استثنایی قلمداد نمودند و بر آن شدند که آن را تفسیر محدود کنند. سپس چنین نگاشتند: «حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ویژه کارمندان است و نه کارگران؛ کسانی که رابطه حقوقی آنان با دولت تابع قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات استخدامی است مانند قضات و دانشگاهیان و ارتشیان تابع ماده ۱۱ و در برابر زیان‌دیده مسئول هستند (تبصره یکم از قانون کار). ولی در مواردی که دولت به عنوان کارفرما کارگاهی را اداره می‌کند؛ کارکنان و کارگران مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی قرار دارند و دولت در برابر اعمال زیانبار آنها مسئولیت دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۵۳) در ادامه ماده ۱۱ آمده است: «ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوط است مگر در مورد اعمال مربوط به حاکمیت». در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی چنین آمده است «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسؤول جبران خسارتی هستند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنها در حین انجام کار یا به مناسبت آن به اشخاص وارد می‌آید .....». و حال آنکه هیچ معلوم نیست فلسفه اینکه در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دولت به کلی از مسئولیت معاف شده است و حتی در اعمال تصدی‌گری به شرط آنکه نقص وسائل و تشکیلات موجب زیان نباشد، از مسئولیت معاف است با تفاوت

رویکرد در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که کارفرما را مسئول جبران خسارت زیان‌های وارده از کارکنان خویش قرارداده است چیست؟ با مطالعه قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به بیمه عمر و حوادث و همچنین بیمه خدمات درمانی کارکنان نیروهای مسلح در می‌یابیم که به استثنای کارکنانی از نیروهای مسلح که با سلاح و برطبق قانون بکارگیری سلاح به ثالث زیان می‌زنند؛ سایرین بیمه مسئولیت نیستند و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی و قانون مسئولیت مدنی، خاصه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی هستند. تا زمانی که این خلاء قانونی وجود دارد، نمی‌توان آن دسته از کارکنان نیروهای مسلح را که مسلح نیستند و یا به‌نحوی از انحاء باسلاح به دیگران زیان نمی‌رسانند را، از مسئولیت معاف دید، از سوی دیگر نیروهای مسلح در معرض آسیب‌های جدی در مواجهه با مجرمان و بزه‌کاران می‌باشند. گستردگی فعالیت‌های نیروهای مسلح از یک‌سو و میزان بالای اختیارات و قدرت آن در امر و نهی به پرسنل و کارکنان از سوی دیگر، باعث شده است که همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان نیروی مسلح وجود داشته باشد. اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد، همان‌گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زانی به دیگران وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی خواه مراکز نظامی یا غیر آن نیز باید به همین گونه عمل شود بنابراین، این مسأله نیازمند توجه است که به همین علت در این مقاله به بررسی ماده 11 مسئولیت مدنی و مقایسه آن با مسئولیت نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل پرداخته می‌شود که در این خصوص این سوال که حدود مسئولیت نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل در مقایسه با ماده ۱۱ مسئولیت مدنی چه تفاوت‌هایی دارد؟ مطرح می‌گردد. فرضیه‌ای که در این خصوص در نظر گرفته شده این است که شرایط و حدود مسئولیت در قبال صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل بر وفق ماده 11 مسئولیت مدنی با مسئولیت نیروهای مسلح در پاره‌ای از موارد متفاوت است که با روش توصیفی-تحلیلی که متضمن مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون مرتبط است مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

## 2. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، نوعی ضمان قهری است و ضمان قهری در ق. م. از جمله الزامات حقوقی و قانونی است که بدون قرارداد به وجود می‌آید. عمل موجب مسئولیت مدنی، هر گونه عمل غیرمجازی است که برای دیگری خسارت ایجاد کند و عامل قانوناً ملزم به جبران خسارت از راه پرداخت غرامت باشد. در حقوق اروپایی عمل موجب مسئولیت مدنی را جرم مدنی در مقابل جرم جزایی می‌نامند و در ق. م. ایران، این اعمال تحت عنوان غصب، اتلف و تسبیب آمده است. (طباطبایی مؤتمنی، 1387: 57). در نظام حقوق اسلامی مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده تسبیب، قاعده ید و امثالهم می‌تواند توجیه‌کننده جبران خسارت و مسوولیت مدنی باشد.

## 3. مسئولیت در نیروهای مسلح

نیروهای مسلح به عنوان یکی از ارکان حفظ امنیت و آسایش هر کشوری به شمار می‌روند بنابراین؛ با توجه به مسوولیت و تکالیفی که بر عهده آنها نهاده شده است باید در جهت کنترل آنها و جلوگیری از تخطی و اضرار به غیر چاره اندیشی دقیقی را مد نظر قرار داد. اجرای صحیح وظایف و مقررات توسط نیروهای مسلح مورد تأکید قانونگذار و خواست جامعه بوده و ممکن است انجام وظایف و له موجبات وقوع حوادث زیانبار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی را نیز فراهم آورد و سبب تحقق مسئولیت برای آنان می‌شود (جلالین و همکاران، 1397: 2).

## 4. مقررات ناشی از صدمه به پرسنل در مسئولیت مدنی

گاهی ممکن است بی‌احتیاطی، ضعف و یا نقص سازماندهی سبب خسارت به پرسنل شود. در نتیجه احراز تقصیر می‌تواند مبنای خسارت سازمان در قبال صدمات و خسارات وارده به پرسنل قرار بگیرد. ضعف و نقص سازماندهی یا فعالیت عادی اداره می‌تواند انواع گوناگونی داشته باشد تقصیر می‌تواند شامل یک عملیلت مادی یا یک عمل حقوقی باشد. یا ممکن است جنبه

انفرادی یا عام الشمول داشته باشد. می‌تواند جنبه جمعی با ناشناس داشته یا قابل استناد به یک شخص حقیقی مشخص باشد (حسینی‌نژاد، 1370: 267). معمولاً تقصیر ناشی از یک عمل مثبت اداره است ولی ترک فعل، قصور و کوتاهی یا تأخیر در انجام وظیفه نیز از موارد تقصیر به‌شمار می‌آید از قبیل بی‌کفایتی مرجع نظارتی یا انتظامی در نظارت بر فعالیت خاص، همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان این سازمان را به وجود می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت اگر خسارت ناشی از خطای سازمان یعنی مربوط به نقص وسایل، امکانات و نیروهای اداره باشد. مسئولیت جبران خسارت با اداره است (انصاری، 1380: 187).

#### 4-1. قواعد عمومی جبران خسارت

مهمترین هدف قواعد مسئولیت مدنی، جبران خسارت و بازگرداندن موقعیت زیان‌دیده به وضعی است که پیش از ورود زیان داشته است. در دعاوی مربوط به حقوق عمومی، دادگاه‌ها طبق رویه موجود، به جبران زیان قیمی حکم می‌دهند. البته با استنباط از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که اشعار می‌دارد: «...دادگاه میزان، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد.» دادگاه‌ها در تعیین جبران خسارت چه به صورت مثلی و چه به صورت قیمی، مخیرند، خواه دعاوی ریشه در حقوق عمومی داشته باشد یا خیر. آنچه مهم است جبران خسارت زیان‌دیده به‌صورت کامل است، بر این اساس عامل زیان هیچ حقی در گزینش شیوه جبران خسارت ندارد بلکه او مکلف به جبران خسارت به نحو کامل است. لیکن با لحاظ جمیع جهات، نباید تصور نمود که امکان تراضی بین زیان‌دیده و عامل زیان منتفی است، چرا که جبران خسارت واجد خصیصه مرتبط با نظم عمومی نیست که نتوان برخلاف آن با هم تراضی نمود (جلالیان و همکاران، 1397: 15). در خصوص تاریخ ارزیابی خسارت نظرها متفاوت است؛ برخی معتقدند تاریخ این ارزیابی باید روز تحقق زیان باشد زیرا از این پس است که موقعیت زیان‌دیده برهم خورده و عامل ورود زیان مسوول جبران آن می‌گردد لیکن موافقت با این عقیده چندان با عدالت سازگار نیست، زیرا اطلاع دادرسی باعث می‌شود که چندین سال میان تاریخ پیدایی زیان و جبران خسارت فاصله زمانی پدید آید و در این فاصله به لحاظ نوسانات اقتصادی، مبلغ خسارت با حفظ ارزش اسمی‌اش از ارزش واقعی آن کاسته می‌شود؛ فلذا بین مبلغ واقعی خسارت در تاریخ قطعیت جبران با مبلغ زیان در تاریخ پیدایی آن تفاوت بسیاری است و در نتیجه هیچ‌گاه از زیان‌دیده به گونه‌ای کامل جبران خسارت نمی‌شود. برخی نیز تاریخ صدور حکم را بهترین زمان برای خسارت می‌دانند، زیرا تا زمانی که رای دادگاه صادر نشده است آنچه برعهده عامل ورود ضرر قرار گرفته است تعهد به جبران خسارت می‌باشد؛ تعهدی کلی که موضوع آن بازگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت اول است و اما حکم دادگاه سبب می‌شود که این تعهد مشخص شود و موضوع و میزان آن روشن گردد و از این جهت واجد جنبه تأسیسی است (غمامی، 1376: 134).

#### 4-2. مشارکت ارگان مورد اشتغال و پرسنل در جبران خسارت

در کشور ما ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی قایل به تفکیک مسئولیت مدنی اداره و کارکنان آن شده است: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنها نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشند، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است.» اما اگر زیان در نتیجه تقصیر کارمند و نقص وسایل اداره باشد با توجه به نظر دادگاه هر دو به نسبت سهم خود در ارتکاب تقصیر و ورود زیان، مسئولیت داشته و باید از زیان‌دیده جبران خسارت نمایند. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «... هرگاه چند نفر مجتمعه‌زیانی وارد آوردند متضامنه مسئول جبران خسارت وارد هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد» (موسی‌زاده، 1386: 223). هنگامی کارمند مسئول خسارات ناشی از اعمال عمومی یا اداری است که وی در ورود زیان به دیگران نقش داشته یعنی عمل او با عمد همراه بوده یا در انجام وظیفه، تعدی و تفریط کرده باشد. به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر شخصی کارمند منتهی به





مسئولیت شخصی کارمند می گردد. در نتیجه، زیان دیده می تواند علیه کارمند به طور شخصی در دادگاه اقامه دعوا نماید. ولی در عمل، کمتر اتفاق می افتد که زیان دیده علیه کارمند طرح دعوا نماید بلکه زیان دیده علیه اداره طرح دعوا می کند. به نفع زیان دیده است که این گونه اقدام نماید؛ زیرا اداره بهتر از توان پرداخت خسارت را دارد. البته در صورت اثبات تقصیر شخصی کارمند، در نهایت اوست که باید از زیان دیده جبران خسارت نماید و اداره حق رجوع به وی را دارد (غمامی، 1376: 278).

### 3-4. حدود جبران مسئولیت

مسئولیت مدنی که به معنی تکلیف به پاسخگویی و جبران خسارت از دیگری است می تواند ناشی از نقص قرارداد شامل عدم انجام تعهد، تأخیر در انجام آن و عدم تسلیم مال مورد تعهد (مسئولیت مدنی قراردادی) یا خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی غیرقراردادی یا قهری) باشد که در حقوق عمومی و اداری شامل نقص قوانین و مقررات یا تخلف در اجرای آنها، تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا خودداری از انجام وظایف قانونی می گردد. که موجی تضییع حقوق یا سبب خسارت می شود (عباسی، 1395: 40).

#### الف) مسئولیت ناشی از تقصیر

برابر این اندیشه، خسارت هنگامی قابل جبران است که شخص، مرتکب خطا و تقصیر عمد یا بی احتیاطی شود و میان تقصیر و خسارت، رابطه سببیت وجود داشته باشد. ماده ۹۵۳ قانون مدنی می گوید که تقصیر اعم است از تفریط و تعدی. تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری.<sup>۱</sup> تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.<sup>۲</sup> در نظام حقوقی ما، اصولاً اندیشه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پذیرفته شده است. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کارمندان دولت و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران خسارت وارده می باشند ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است». برابر بند ۲۳ سیاست های کلی نظام اداری مصوب ۸۹/۲/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز حفظ حقوق مردم و جبران خسارت های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر قصور یا تقصیر در تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و مقررات در نظام اداری مورد پذیرش قرار گرفته است. (موحد، 1382: 198).

#### ب) مسئولیت بدون تقصیر

اندیشه مسئولیت بدون تقصیر در گذشته، مبنای مسئولیت مدنی، خطا و تقصیر بود ولی امروزه در قوانین، مواردی وجود دارد که بدون ارتکاب تقصیر، مسئولیت اداره می تواند تحقق یابد که امری خارج از اصول کلی حاکم بر مسئولیت مدنی است. راهکار مسئولیت بدون تقصیر به سود زیان دیده است، جبران خسارت از وی را تسهیل کرده و او برای جبران خسارت، تنها باید میان زیان و فعل زیان بار اداره، رابطه سببیت را اثبات نماید و نیازی به اثبات مقصر بودن فاعل در انجام عمل زیان بار وجود ندارد ولی این روش دارای این ایراد است که از رسیدگی دقیق به فعالیت ناصحیح اداره یا خدمات عمومی طفره می رود. به علاوه دادرسان بندرت اداره را بر پایه نظریه مسئولیت بدون تقصیر محکوم می نمایند (غمامی، 1376: 149). در نظام حقوقی ما افزون بر مبنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر، در مواردی نیز روش مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است. درباره مبنای اخیر، دو نظریه مطرح شده است که عبارتند از: اندیشه مسئولیت به سبب خطر (الف) و اندیشه مسئولیت به خاطر نقض اصل برابری در تقبل هزینه های عمومی (ب) (عباسی، 1395: 40).

### 5. مسئولیت نیروهای مسلح در ماده ۱۱ ق.م.م

به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی « کارمندان دولت و شهرداری نمایند، شخصا مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در اینصورت جبران خسارت، به عهده اداره یا موسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» با توجه به منطوق و روح حاکم بر این ماده، توضیح سه نکته ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه، مبنای مسئولیت در این ماده بر نظریه تقصیر استوار شده و تقصیر شخصی از تقصیر دولتی تفکیک گردیده است. به این معنا که اگر خسارت و زیان به اشخاص ناشی از تقصیر شخصی کارمند یا مأمور دولت باشد، خود او باید مسئول و پاسخگوی تقصیر شخصیش باشد. اما اگر ایجاد خسارت و زیان مستند به عمل کارمند نباشد، بلکه به دلیل نقص وسایل و ابزار کار باشد، در این صورت مسئولیت آن بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است. دوم اینکه، مسئولیت دولت فقط شامل اعمال تصدیگری آن می‌شود و در اعمال حاکمیت، هر چند موجب زیان عده‌ای باشد، مسئولیتی برعهده دولت نیست. مثلاً قوه مقننه قانونی را تصویب می‌کند که عده‌ای از آن منتفع می‌شوند و بسیاری هم از رهگذر آن قانون متضرر می‌گردند. لذا عمل قانونگذاری که از مصادیق بارز اعمال حاکمیت است، ولو اینکه باعث زیان و خسارت عده‌ای شود، هر چند از نظر حقوق بین‌الملل ممکن است دولت مسئول شناخته شود، ولی از نظر حقوق داخلی موجب مسئولیت مدنی دولت نمی‌گردد (دیباچی و قدردان‌ایزدی، ۱۳۹۶: ۸). زیرا همانطور که در مبانی مسئولیت گفته شد، اینگونه خسارت‌ها از آثار و نتایج قهری زندگی اجتماعی می‌باشد. اقدامات دولت در زمان جنگ از قبیل اشغال اراضی، تخریب زمین‌ها، کشته و مجروح شدن افراد نظامی یا غیرنظامی در صحنه‌های جنگ و پشت جبهه، از مصادیق اعمال حاکمیت و برای دفاع از کیان کشور محسوب است که مسئولیت مدنی دولت در آن راه ندارد. مطلب سوم این است که، در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نسبت به حالتی که زیان وارده ناشی از تقصیر کارمند و مأمور دولت و همچنین مربوط به نقص وسایل اداره نباشد، یا خسارت ناشی از سوءمدیریت و تدبیر باشد، حکمی ندارد. لذا در اینگونه موارد باید بر اساس اصول کلی مسئولیت و عدالت‌الزوم با مراجعه به قوانین خاص دیگر به موضوع رسیدگی شود. اینگونه ایهامات است که کار قضاوت را در باب مسئولیت مدنی دولت مشکل‌تر می‌کند (زارع و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶۴).

## 1-5. مسئولیت نیروی نظامی

نیروی نظامی به عنوان حافظ جان، مال، آبرو و حیثیت شهروندان وظیفه خطیر و دشواری پیش‌رو دارد. نیروی نظامی قابل دسترس‌ترین شخصی است که افراد هنگام مواجهه با انواع خطرات، به او متوسل می‌شوند تا از حمایت معنوی و فیزیکی وی بهره‌مند شوند. کارکنان نیروی نظامی به منزله یک شهروند عادی و معمولی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه وظیفه دارند تا در مواقع بروز خطر از قبیل حمله و تعرض به اشخاص از جان آنان حمایت کنند، یا در صورت تعرض به اموال شهروندان، از نیروی بازدارنده خود استفاده کند. چنانچه حیثیت و کرامت انسانی اشخاص مورد تهاجم واقع شود، سریعاً اقدامات مناسب و ضروری به عمل آورند. زمانی که مأمور نیروی نظامی در حال انجام وظیفه است، موارد متعددی اتفاق می‌افتد که مجبور می‌شود خود را در معرض خطر قرار دهد. در چنین مواردی، گاهی وی مجبور می‌شود شهروندان و مظنونین را نیز در چنین موقعیتی قرار دهد و ممکن است آنان مجروح شوند و یا در بدترین حالت کشته شوند از اونجایی که با توجه به قاعده لاضرر هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، کارکنان و سازمان نیروی نظامی می‌توانند دارای مسئولیت مدنی باشند (عباسلو، ۱۳۹۲: ۱۴۴). مسئولیت مدنی به دو گونه مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری تقسیم می‌شود. مسئولیت قراردادی در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر کسی به تعهدی خود که ناشی از قرارداد است وفا نکند و موجب اضرار هم‌پیمانش شود باید خسارت وارده را جبران کند (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۲۸). برعکس مسئولیت قهری یا خارج از قرارداد وقتی بوجود می‌آید که شخص به تکالیف قانونی خود عمل ننماید و به دیگری خسارت وارد آورد. در این مسئولیت هیچگونه قراردادی بین افراد وجود ندارد تا تخلف از آن موجب مسئولیت گردد، بلکه قانون تکالیفی را برای افراد مقرر می‌نماید تا همه مردم به آنها عمل نمایند. در این نوع مسئولیت، اجرای مفاد قرارداد و احترام به اشخاص مطرح نیست. نظم عمومی ایجاب می‌کند که قانون شخصی را که بطور نامشروع به دیگری ضرر زده است مسئول شناسد و در خصوص اعمال و اقدامات پلیس

که منجر به ورود خسارت می‌شود، معمولاً مسئولیت مدنی قهری صادق است و مسئولیت مدنی قراردادی به ندرت اتفاق می‌افتد. زیرا وظایف و مسئولیت‌های شغلی پلیس، در ارتباط با حفظ نظم جامعه و صیانت شهروندان، مسبوق به وجود قراردادی میان شهروندان و پلیس نیست تا امکان استناد به مسئولیت مدنی قراردادی وجود داشته باشد (کاتوزیان، 1387: 52).

## 2-5. مسئولیت مستخدمین (کارمندان) در نیروهای مسلح

صدر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنان که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئولیت جبران خسارات وارده هستند؛ ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده، بلکه مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است..» ولی واژه کارمندان دولت در صدر ماده فوق، ترکیب اضافی است که به صورت جمع به کار رفته و حسب ظاهر شامل کلیه اشخاص حقیقی که در دستگاه دولت به عنوان بارزترین فرد شخص حقوقی، حقوق عمومی و به معنی اعم از قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مؤسسات وابسته به دولت به کار مشغولند، می‌گردد؛ هرچند آنچه که در بدو امر از واژه کارمند متبادر به ذهن می‌شود کارمند رسمی دولت است ولی چون کلمه کارمند به صورت مطلق به کار رفته و مقید به قید و وصفی نگردیده، علی‌الظاهر اشخاصی را که به صورت گوناگون و تحت شمول کلیه مقررات و قوانین استخدامی در خدمت دولت هستند (اعم از روزمزد - پیمانی - خرید خدمتی و غیره) (هاشمی، 1383: 551). اگر عبارت کارمندان دولت، شامل کلیه کسانی که تحت شمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین استخدامی از جمله قانون استخدام قضات باشد، کلیه مستخدمین دولت از جمله مأموران نیروی مسلح در صورتی که به سبب انجام وظیفه و در اثر تقصیر خود (اعم از عمد و بی‌احتیاطی) خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده خواهند بود (زارع و همکاران، 1395: 468).

علیهذا اگر کارمند دولت در اثر تقصیر خود (اعم از عمد و خطا) و به مناسبت انجام وظیفه خسارتی را اشخاص وارد نمایند و هله اول خود مسئولیت جبران خسارت را به عهده خواهد داشت. اما چون کارمند دولت اعتبار و حقانیت خود را از دستگاه متبوع کسب می‌نماید و به مناسبت انجام وظیفه نیز خسارت را وارد نموده، صرف مسئولیت وی، مانع اقامه دعوی زیان‌دیده علیه دستگاه مربوطه نخواهد بود که این امر را، هم می‌توان مشمول قاعده کلی در اصل سی و چهارم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است.» و هم در راستای اصل مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، تبیین نمود، لذا وظایف محوله از سوی دستگاه مربوطه است، حق مراجعه به دستگاهی را که مأمور در آن انجام وظیفه می‌نماید، خواهد داشت. ولی در این فرض امکان مراجعه دولت به مأمور خاطی پس از جبران زیان زیان‌دیده و النهایه تحمیل خسارت بر مقصر امکان‌پذیر خواهد بود (دیباچی و قدردان‌ایزدی، ۱۳۹۶: 10). به هر حال در رابطه با ماده ۱۱ ق.م.نکات ذیل قابل توجه است:

اولاً: خسارت وارده به اشخاص به سبب اعمال دولت زمانی قابل جبران است که زیان وارده مستند به عمل دولت باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیانبار و خسارت وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد. بدیهی است چنانچه این رابطه قابل اثبات نبوده و یا زیان وارده ناشی از حوادث طبیعی و غیر مترقبه چون سیل و طوفان و زلزله و غیره و یا فورس ماژور بوده باشد، چون رابطه سببیت بین عمل دولت و خسارت وارده وجود ندارد، لذا مسئولیتی در این زمینه متوجه دولت نخواهد بود. مطلب دیگری که نیازمند توضیح است، این است که اثبات رابطه سببیت در دعوی مسئولیت مدنی به عهده شخص متضرر از عمل زیانبار یا به عبارتی دیگر مدعی است که البته اثبات این رابطه با توجه به وضعیت زیان‌دیدگان از اعمال دولت تا حدی مشکل بوده و بالمال جبران زیان از زیان‌دیدگانی که توانایی اثبات این رابطه را نداشته باشند، امکان پذیر و میسر نخواهد بود. ثانیاً: درخصوص خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هم در صورتی که دو شرط موجود باشد دولت از جبران زیان و پرداخت خسارت معاف خواهد بود (زارع و همکاران، 1395: 464). اول اینکه دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آن که، آن عمل حسب ضرورت و طبق قانون برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آید. واضح است که با مفقود بودن هر یک از این دو شرط دولت ملزم به پرداخت خسارت خواهد گردید ولو اینکه خسارت ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد، به نظر می‌رسد که اثبات وجود دو شرط مذکور در دعوی مسئولیت مدنی به عهده دولت خواهد بود که در واقع مدعی علیه دعوی خسارت بوده ولی در زمینه اثبات شروط

موصوف، مدعی واقع خواهد شد. لازم به توضیح است که باعنایت به مفهوم مخالف قسمت ذیل ماده ۱۱۱ ق.م.م به ویژه عبارت «دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» معافیت دولت در خصوص جبران زیان ناشی از اعمال حاکمیت الزامی نبوده، بلکه امر اختیاریست و به همین جهت در صورتی که دولت مصلحت بداند می‌تواند خسارت وارده در اثر اعمال حاکمیت را نیز جبران نماید (دیباچی و قدردان‌ایزدی، ۱۳۹۶: ۱۷).

## 6. مقررات ناشی از صدمه به پرسنل در قوانین نیروهای مسلح

مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۶ ق.م.ج.ن.م. در خصوص رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی در مواد غذایی، که ارتباط مستقیم با سلامت افراد داشته، می‌باشد لذا قانونگذار هر گونه خطا و اهمالی که موجب خطر افتادن جان نظامیان گردد موجب تحقق جرم و استحقاق مجازات می‌داند. عنصر مادی جرائم مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ تقابل عمدی در مواد غذایی ادویه و مایعات «تحت نظارت افراد» و تقسیم گوشت حیوانات مبتلا به بیماری‌های مسری یا مواد غذایی فاسد یا ضایع شدن بین نظامیان می‌باشد نکته مهم در این مواد مطلق بودن این جرائم است زیرا وقوع این جرائم مقید به حصول هیچ گونه نتیجه‌ای نبوده و صرف ارتکاب و وقوع عنصر مادی، جرم محقق می‌شود؛ در هر دو سوء نیت مبنی بر تحقق جرم نیز لازم است. ماده ۱۱۶ نیز با حذف عنصر سوء نیت و عمد و تبدیل آن به تقصیر و خطای جزائی که از مصادیق آن اهمال و بی‌توجهی می‌باشد تلاش نموده تا حفاظت بیشتری در مسائل بهداشتی و سلامت افراد نظامی را اعمال نماید؛ مساله قابل توجه در اینجا بر اساس تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی می‌باشد از این رو هر فرد نظامی که مواد غذای تحویلی و تحت نظارتش را بر اثر اهمال و بی‌توجهی و عدم رعایت اصول ایمنی و بهداشتی که جهت سلامت مواد غذایی (مانند نگهداری در محل مناسب و...) لازم است؛ فاسد و ضایع نماید و یا اینگونه مواد را بین نظامیان «که حداقل دو نفر می‌باشند» تقسیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد (کریمی و شیبانی، ۱۳۹۶: ۱۱). کمیسیون مشورتی اداره حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در خصوص ایراد خسارت ناشی از سهل‌انگاری، اهمال و تفریط نیروهای نظامی، ملاک تعدی و تفریط را با عنایت مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی که می‌گوید: «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال با حق دیگری و تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است» معیار و ملای سنجش تعدی و تفریط مقررات و نظامات دولتی و یا قضاوت عرف است به این معنا که رفتار متهم (تعدی و تفریط) یا رفتار انسان متعارف در همان شرایط موضوع دعوا سنجیده می‌شود. فقها تعدی و تفریط را زیر عنوان ضمان تعدی بحث کرده‌اند که منظور از تعدی تبدیل ید امانی به پد ضمانی بر اثر تعدی و تفریط در امانات که نه تنها موجب زوال ید امانی می‌شود بلکه سبب ضمان نیز می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۶۷).

## 1-5. مسئولیت مبتنی بر تقصیر سازمان نظامی در صدمه به پرسنل

گسترده‌ی فعالیت‌های سازمان نیروهای مسلح از یک سو و میزان بالای اختیارات و قدرت آن در امر و نهی به پرسنل و کارکنان از سوی دیگر، باعث شده است که همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان این سازمان وجود داشته باشد. باشد. اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد، همان گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زیانی به دیگران وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی خواه مراکز نظامی یا غیر آن نیز باید به همین گونه عمل شود. حقوق ایران نظریه مسئولیت غیرمستقیم سازمان نیروهای مسلح به عنوان یک نظریه مبتنی بر احراز تقصیر، میتواند مبنای مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارده به پرسنل آن قرار گیرد. زیرا از یک سو بر اساس ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مبنای تقصیر به صورت یک اصل کلی پذیرفته شده است و مسئولیت‌های محض و عینی فاقد تقصیر، جنبه استثنائی دارند. از سوی دیگر این دیدگاه با مقررات قانونی فعلی به ویژه ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که در آن برای مسئولیت ادارات دولتی، نوعی تفکیک میان خطای اداری و خطای شخصی مطرح شده است، سازگاری بیشتری دارد. بنابراین در خصوص مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارده به پرسنل آن به عنوان یکی از سازمان‌های دولتی نیز میتوان همین مبنا را مورد پذیرش قرار داد. بر پایه مبنای انتخابی، از جمله شرایطی که





وجود آن برای تحقق مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح لازم است، شرط تقصیر می باشد که با توجه به مسئولیت غیر مستقیم این سازمان دولتی و مبتنی بر تقصیر اداری کارمندان آن بود، ضروری دانسته شد (کیانی، 1397: 2).

#### الف) مسئولیت در رابطه با خسارت های ناشی از فعل صغار و محجورین حاضر در دوره های آموزش

یکی از مواردی که در رابطه با مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر ارکان نظامی وجود دارد این است مسئولیت در رابطه با خسارت های ناشی از فعل صغار و محجورین در دوره آموزش نظامی وجود به وجود می آید را چه کسی باید جبران کند به طور مثال در حاضر در دوره های آموزش های دوره بسیج نوعی دوره های نظامی به عنوان برگ سبز وجود دارد که برای شرکت کنندگان محدودیت خاصی ندارد و اکثر اشخاص زیر ۱۸ سال که به خدمت سربازی نرفته اند تمایل دارند شرکت کنند. سوالی که در این جا پیش می آید این است که اگر در این دوره ها صغیر یا محجور غیرعامدانه خسارتی را به کسی وارد کند یا در اثر عدم آشنایی با اسلحه گلوله ای به سمت کسی شلیک کند چه کسی مسئول است؟ برای پاسخ به این سؤال باید به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی رجوع کنیم. در نتیجه اگر شخص صغیر یا محجور بر طبق قرارداد یا قانون در اختیار این تشکیلات قرار گرفته باشند این سازمان نیروهای مسلح است که مسئول جبران خسارت می باشد و اگر هم شخص صغیر یا محجور به صورت غیرقانونی در این دوره ها وارد شده باشند باید دید در ورود این اشخاص چه کسی مسئول است تا براساس تقصیر او را مسئول شناخت (وحدتی شبیری و سامانی، 1395: 132).

#### ب) مسئولیت مبتنی بر تقصیر عوامل اجرایی در صدمه پرسنل

” هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی با عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح موجب تلف جانی و یا صدمات بدنی گردد چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتری نباشد مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود ” مقررات ماده (۵۴) که تاسیس حقوقی جدید است یکی از راه کارهای موثر و کارآمد قانون جدید مجازات جرائم نیروهای مسلح در برخورد با پدیده مجرمانه محسوب می شود. زیرا در موارد زیادی عدم اتخاذ تدبیر مناسب توسط فرماندهان و مسئولین رده های مربوط و یا بی احتیاطی و بی مبالاتی آنان باعث تلفات جانی و یا صدمات بدنی می گردد، عنصر مادی جرم مذکور بی احتیاطی یا بی مبالاتی با عدم رعایت نظامات دولتی منجر به تلفات جانی و یا صدمات بدنی می باشد؛ جرم این ماده از جرائم غیر عمدی بوده و منشاء آن تقصیر یا خطای جزائی است (میرزائی، 1392: 50). اگر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرماندهان یا مسئول مربوطه علت تامه و مستقیم تلفات جانی و یا صدمات بدنی باشد مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم خواهد شد؛ چون برابر مقررات قانون مجازات اسلامی جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب، موجب ضمان خواهد بود (یزدانیان، 1390: 197). در این ماده مقنن ضمن در نظر گرفتن همه مسئولین و فرماندهان در تمامی رده ها شرط تحقق این جرم را اعمال صورت گرفته در ارتباط با امور خدمتی فرد نظامی معرفی نموده است، و در ضمن مجنی علیه حاصل از تقصیر جزائی فرد خاطی می تواند هر فرد اعم از نظامیان و افراد غیر نظامی باشد به این دلیل که کمیسیون قضایی و حقوقی سی. ن.م. در این مورد اعلام نموده: با توجه به اینکه ماده ۵۴ ق.ن.م. به صورت مطلق به تلفات جانی و صدمات بدنی اشاره نموده است بنابراین نظامی بودن مقتول یا مجروح شرط تحقق جرم موصوف نمی باشد. نکته بسیار مهم در خصوص این ماده وجود رابطه علیت و سببیت بین بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرماندهان یا مسئول ذیربط با تلفات بوجود آمده اعم از جانی و صدمات بدنی می باشد زیرا اگر این رابطه کشف و احراز نگردد مسئولیتی برعهده فرمانده و مسئول مربوطه نخواهد بود. شایان ذکر است این ماده به صراحت یکی از وظایف فرماندهان و مسئولین رده های نظامی را توجه به مسائل ایمنی در ارتباط با امور خدمتی آنها بیان می دارد. بدین نحو که مطابق ماده مذکور قانونگذار فقط انجام به موقع و نهایی امور محوله نمی خواهد بلکه در کنار آن صحیح و ایمن به پایان رساندن آن را نیز انتظار دارد و با تدوین این ماده دیگر راه فرار و هرگونه توجیه در رفتارهای بی احتیاطانه و غیرمسئولانه فرماندهان و مسئولین بسته شده و آنها باید در قبال عملکردهای منفی و حادثه سازشان در حوزه ایستی پاسخگو باشند. و این مهم با توجه به مأموریت های حساس این سازمان و جایگاه بی بدیل آن در امنیت و استحکام کشور بسیار اثرگذار می باشد. نکته قابل توجهی که می توان از این ماده برداشت نمود

این است که به نظر می‌رسد این ماده می‌خواهد نوعی تعهد ایمنی را برعهده فرماندهان و مسئولین در حین اجرای امورات محوله بگذارد. در خصوص سابقه این تعهد گفته شده تعهد مذکور برگرفته از حقوق کشور فرانسه است در بیست و یک نوامبر سال ۱۹۱۱ توسط دیوان عالی کشور فرانسه در زمینه مسئولیت متصدی حمل و نقل مسافر به عنوان مبنای مسئولیت ارائه شده است به موجب این نظریه متصدی ضمن قرارداد حمل و نقل، افزون بر تعهد حمل مسافر، تعهد ضمنی حمل ایمن و سالم مسافر را نیز برعهده دارد. امروزه این نظریه در بسیاری از زمینه‌های مسئولیت مدنی از جمله قراردادهای حمل کالا پذیرفته شده است (کریمی و شیبانی، ۱۳۹۶: ۷). به استاد این ماده به نظر می‌رسد تعهد مذکور نیز برعهده مسئولین و فرماندهان در انجام امور خدمتی نهاده شده است. زیرا یکی از شرایط انتخاب فرماندهان و مسئولین تخصص و تعهدشان در زمینه امور مسئولیتشان می‌باشد از این جهت وقتی دستوری به فرد داده می‌شود کامل صحیح و ایمن به پایان رساندن دستور از مجری انتظار می‌رود و همچنین فرد دستور دهنده وقتی دستوری را به فرمانده و مسئول زیرمجموعه‌اش صادر می‌نماید بر این امر تکیه دارد که فرد مذکور تخصص لازم را داشته و آموزش‌های مورد نیاز در زمینه‌های مختلف از جمله مسایل ایمنی را دیده و نسبت به دستورالعمل‌های ایمنی که امروزه در سازمانها نیروهای مسلح قبل از اجرا در خصوص تمامی برنامه‌های نظامی و غیر-نظامی به رده‌ها ارائه می‌شود آگاه بوده است، لذا از نامبرده سالم و ایمن به انجام رساندن مأموریت مورد انتظار است (میرزائی، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین تعهد فرماندهان و مسئولین کوشش متعارف نبوده بلکه آنها به نوعی این نتیجه را تعهد نموده اند که مأموریت را بدون هیچگونه حادثه‌ای به پایان برسانند و این تعهد ضمنی را در کنار تعهد اصلی اجرای فرامین و انجام امور محوله متقبل گردیده‌اند. به هر حال پذیرش این مبنا واحد برای حمایت جان افراد اعم از نظامی و غیرنظامی می‌تواند مفید باشد (یزدانیان، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

#### ۷. مسئولیت بدون تقصیر در نیروهای مسلح

در حقوق ایران، مبنای مسئولیت در این مورد، قاعده اتلاف، موضوع ماده ۳۳۸ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت، و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است» بنابراین فعل‌هایی که اشخاص انجام می‌دهند اگر بلاواسطه موجب خسارت شوند و عرفاً از مصادیق اتلاف تلقی شوند براساس ماده فوق هر چند فاعل در انجام آن مرتکب تقصیر نشده باشد، مسئول است زیرا قانونگذار در این ماده تلف کردن را به طور مطلق یعنی فعل را به طور مطلق اعم از اینکه توأم با تقصیر یا بدون تقصیر باشد مسئولیت‌آور می‌داند، از قبیل تیراندازی که با رعایت مقررات صورت گرفته، ولی به علت کمانه کردن گلوله به دیگری اصابت و موجب خسارت شده است (عباسلو، ۱۳۸۹: ۱۰۶). یا در موردی که مأمور در حال رانندگی برای اجرای مأموریت‌های محوله است، بدون اینکه تقصیر داشته باشد، موجب حادثه رانندگی و خسارت به دیگری می‌شود. در این موارد هر چند عموماً قاعده اتلاف شامل هر کس، از جمله مأمورین می‌گردد؛ اما، با توجه به اینکه قانونگذار در مقام بیان مسئولیت مدنی کارمندان دولت به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است، آنها را در صورتی مسئول می‌داند که خسارت در نتیجه بی احتیاطی یا فعل عمدی آنها به بار آمده باشد. بنابراین سکوت در مقام بیان به جزء تقصیر را باید حمل بر عدم مسئولیت آنها کرد در صورتی که آنان فاقد تقصیر باشند. از طرف دیگر با توجه به ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده و با توجه به اینکه کارمندان دولت در این مورد در مقام انجام وظیفه، عملی را انجام می‌دهند، در واقع این عمل برای دولت و به دستور او صورت می‌گیرد؛ بنابراین، مسئولیت ناشی از آن بر عهده دولت است. هر چند به موجب قسمت اخیر ماده مذکور اگر خسارت ناشی از نقص که مقرر می‌دارد: «... هر گاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و مؤسسات مربوطه است.» (عباسلو، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

#### ۷-۱. مسئولیت خسارات وارده به پرسنل در عملیات‌های و کار در نیروهای مسلح

گسترده‌ی فعالیت‌های سازمان نیروهای مسلح از یک‌سو و میزان بالای اختیارات و قدرت آن در امر و نهی به پرسنل و کارکنان از سوی دیگر، باعث شده است که همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان این سازمان وجود داشته باشد بدین‌جهت قانونگذار در حوادثی که در این سازمان وقوع می‌یابد وارد عمل شده و با تدوین قوانین مختلف و مورد نیاز که بر پایه‌های علمی مسئولیت بنا شده، نسبت به نحوه تعیین و میزان مسئولیت مدنی و کیفری نظامیان اقدام نموده است. مبنای مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارده به پرسنل می‌تواند نظریه مسئولیت غیرمستقیم سازمان نیروهای مسلح به عنوان یک نظریه مبتنی بر احراز تقصیر، آن قرار گیرد. قانونگذار هر گونه خطا و اهمالی که موجب خطر افتادن جان نظامیان گردد موجب تحقق جرم و استحقاق مجازات می‌داند به طور مثال مأموری که در حال انجام وظیفه است و یا در حین مأموریت آسیبی به وی وارد شود و خسارتی به او وارد شود سازمان متبوع مسئول خسارت وارده است (وحدتی‌شیری و سامانی، 1395: 132).

## 2-7. مسئولیت خسارات وارده به پرسنل خارج از زمان مأموریت و اشتغال

خسارتی که فاقد هر گونه پیوند با خدمت و وظیفه عمومی است به عبارتی دیگر خطای ارتكابی به هنگام انجام فعالیت‌های صورت گرفته که با انجام وظایف پرسنل هیچ گونه رابطه‌ای ندارد و مربوط به زندگی شخصی باشد مانند مأمور پلیسی که در حال انجام وظیفه نیست و فردی که با وی خصومت شخصی دارد به وی خسارت وارد کند. از آنجا که اصول حقوقی عدالت اقتضاء دارد، اشخاص حقیقی اگر خسارت و زبانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت شوند و یکی از ارکان مسئولیت مدنی فعل زبانی است، در حقوق ایران در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به آن اشاره شده است و مسئول جبران خسارت شخصی است که فعل زبانی را انجام داده است (یزدانیان، ۱۳۹۵: 15).

## 8. مقایسه مفاد قوانین مسئولیت مدنی قوانین درون سازمانی نیروهای مسلح در رابطه با جبران خسارت

ضمانت اجرای جبران خسارت در قوانین مسئولیت مدنی و نیروهای مسلح یکی است و از حیث تفاوتی ندارند و جبران خسارت در نیروهای مسلح تابع مسئولیت مدنی خواهد بود. و درخصوص جبران خسارت نیروهای مسلح باید گفت که هرگاه شخصی به دیگری خسارت وارد نماید باید از عهده خسارت وارده برآید و آن را جبران نماید. لزوم جبران خسارات زیان‌دیده یک اصل مسلم و عقلایی به شمار می‌رود، چنانکه منابع فقهی و احکام شرعی نیز آکنده از دستورات مختلف و متعدد در این زمینه است. جبران شدن کلیه خسارات وارده به حقوق مشروع زیان‌دیده اعم از مادی، بدنی و معنوی، مهمترین هدف همه نظریات و دیدگاه‌های فلسفی اعم از نظریات مرسوم و ابزارگرا می‌باشد (نجفی و همکاران، 1397: 211). جبران زیان وارده به غیر را باید از زیرشاخه‌های مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی عمومی همچون دولت به شمار آورد صدمه‌های بدنی با توجه به اینکه هم دارای وجه مادی و هم دارای وجه معنوی هستند را باید زبانی میان خسارت معنوی و خسارت مالی لحاظ کرد. به طور مثال صدماتی که به سلامت اشخاص وارد می‌شود، نه تنها از لحاظ روانی باعث ورود زیان می‌شود بلکه هزینه‌هایی نظیر درمان، جراحی، از کار افتادگی و غیره را بر دارایی شخص وارد می‌کند. با توجه به اینکه اکثر خسارتهای وارده ناشی از صدمات بدنی در آینده بروز می‌کند، ارزیابی آن دشوار است و احتمال و گمان و حدس در آن تأثیرگذار است برای مثال به دشواری می‌توان به نتیجه رسید که شکستگی استخوان یا ضربه‌های مغزی چه عوارضی را بدنبال دارد، طول درمان آن چقدر است و هزینه‌های آن به چه میزان است و یا میزان از کارافتادگی ناشی از آن چیست؟ از سوی دیگر صدمات بدنی، صرفنظر از هزینه‌های مادی، موجب ضررهای معنوی برای زیان‌دیده و نزدیکان وی نیز می‌شود و همین موضوعات ارزیابی خسارت را دشوار می‌کند. در حقوق اسلام نظام جبران خسارت بدنی از نظام جبران خسارت مالی جدا گردیده و برای آن مقررات خاصی وضع شده است. ضوابط جبران خسارت بدنی زیر عنوان‌های «دیه»، «ارش» و «حکومت عدل» مطرح شده است. مال یا مبلغی که بابت خسارت بدنی پرداخت می‌شود یا مشخص است و از قبل تعیین شده است که به آن «دیه» گفته می‌شود (بیرانوند، ۱۳۹۷: 3).

## 1-8. شیوه‌های جبران خسارت

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان)، و تابع اهداف مسئولیت مدنی‌اند. از آنجا که اهداف مزبور در کلیه نظام‌های حقوقی یکسان نیستند، شیوه‌های تأمین آنها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این، عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی عبارتند از: «جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده. از میان اهداف مذکور نیز جبران خسارت» عامل اصلی در تعیین آثار مسئولیت مدنی در تمام نظام‌های حقوقی است. شخصی که از فعل زیانبار متضرر شده می‌تواند جبران خسارت وارد آمده را مطالبه کند. این جبران خسارت و دریافت غرامت ممکن است دیگر اهداف فرعی مسئولیت مدنی را نیز به طور نسبی برآورده سازد؛ بدین بیان که الزام به جبران خسارت تا اندازه‌ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال، زیان‌دیده آن را التیامبخش صدمه‌ای می‌داند که به او وارد شده است. علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می‌کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن فعل زیانبار در آینده باز دارد. سرانجام اینکه الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می‌شود که عامل زیان منفعتی را از طریق فعل زیانبار ارتکابی به دست آورد. بنابراین تأدیب خطاکار، جلب رضایت و تشفی خاطر زیان‌دیده، اعلام حقوقی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند بازداشتن خطاکار و دیگران از ارتکاب فعل زیانبار، و نیز جلوگیری از استفاده بلاجهت، اهداف ثانوی مسئولیت مدنی هستند که با الزام به جبران خسارت تأمین می‌شوند (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۳).

## 2-8. جبران خسارات مادی

بسیاری از اقدامات مأمورین ممکن است به ایجاد خسارت مالی بیانجامد و او ملزم به جبران خسارت شود. تردیدی نیست که مأمورین نظامی در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های محوله ممکن است به اموال و حقوق مالی شهروندان یا سازمان پلیس یا شخص متهم خسارت مالی وارد سازد که در این صورت موضوع مسئولیت وی بایستی مورد ارزیابی قرارگیرد. چنانکه پیش از این در باب اتلاف بیان نمودیم اتلاف اموال شهروندان و مأمورین برای مأمور دیگر مسئولیت مدنی به همراه دارد و او مکلف به جبران خسارات مالی وارده می‌باشد. خسارت مالی و اقتصادی ممکن است نسبت به عین یا منفعت مال حادث شود مثلاً. گاه شخصی اتومبیل دیگری را آتش زند و تلف کند عین مال تلف شده و به عنوان خسارت مثبت موجب ضمان است و همچنین اگر شخصی اتومبیل دیگری را برباید و پس از دو ماه سارق دستگیر شود و اتومبیل به صاحب آن مسترد شود منافع دو ماهه اتومبیل تلف شده است. اتلاف منفعت نیز همان اتلاف مال و ضمان آور است. در حقوق جدید در مقابل خسارت مثبت خسارت منفی یا عدم‌المنفع به عنوان یکی از مصادیق خسارتهای مالی و اقتصادی در نظر گرفته شده است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۷).

- پرداخت خسارت اگر هدف و نتیجه و آثار وارده بر مسئولیت را «جبران خسارت» بدانیم، راه‌های متعددی برای جبران خسارت وجود دارد. اصول و روش‌های رایج در جبران خسارتهای امروزه به صورت پرداخت غرامت و خسارت است ولی در نوشته حقوقدانان «اعاده به وضع سابق» هم آمده است. شاید بتوان ادعا کرد اعاده به وضع سابق بیشتر به اموال منقول و غیرمنقول ارتباط دارد و در موارد بسیاری به ویژه در صدمات جسمانی، اعاده به وضع سابق موضوعیت ندارد (بابائی، ۱۳۸۹: ۷).  
- رد عین، مثل یا قیمت شیوه‌های جبران خسارت با روش پرداخت غرامت یا خسارت اغلب ناظر بر جبران خسارت ناشی از صدمات جسمانی و یا خسارت وارده بر اموال غیر منقول و منقول سازمانی است. ولی روش دیگر هم است که ناظر بر اعاده وضع به حال سابق است که ممکن است به شیوه رد عین یا مثل باشد یا به روش پرداخت قیمت. این خسارت‌ها بیشتر در موتردی مانند تصرف عدوانی و ... به وجود می‌آید اصولاً غصب توسط سازمان پلیس یا کارکنان موضوعیت ندارد. بیشتر به صورت اختلافات ملکی (اموال غیرمنقول) اعم از عرصه و اعیانی است. خسارات وارده به اموال غیر منقول غالباً اگر به صورت تصرف عدوانی یا ید ضمانی باشد، با رد عین و نیز نمائات و منافع متصله و منفصله صورت می‌گیرد. خساراتی که از تقصیر حرفه‌ای یا شخصی ناشی می‌شود گاهی ناشی از تقصیر مثبت است و گاهی در اثر تقصیر اداری ترک فعل و یا فعل منفی حادث می‌شود که در هر دو صورت موجب مسئولیت مدنی مأمور می‌شود و مأمور باید از خسارات را جبران کند (حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۵).



- اعاده وضع به حال سابق گاهی خسارت با اعاده وضع به حال سابق، جبران می‌شود که به دو حالت «بازگرداندن عین مال» یا «بین بردن منبع ضرر» یا به عبارتی خودداری عامل ضرر از تکرار فعل زیانبار است. با وضعیتی که در تیراندازیها حادث می‌شود اعاده وضع به حال سابق معنا ندارد. یعنی نمی‌توان مقتول را به دنیا باز گرداند و نمی‌توان چشم کورش را بینا کرد یا منافع ذایل شده را برگرداند، اما در سایر خسارات مالی امکان اعاده وضع به حال سابق در قالب رد مثل یا عین یا ترمیم خسارت (مثل بازسازی وسیله‌ی نقلیه، ساختمان و...) امکان پذیر خواهد بود. سازمان نیروهای مسلح در کلیه دعاوی که جنبه دعاوی حقوقی ملکی دارند و محکوم به جبران خسارت گردیده‌اند یا به طریق اعاده وضع به حال سابق، خسارات را جبران کرده‌اند یا از طریق پرداخت مثل یا قیمت و در مواردی نیز مبادرت به صلح، معاوضه و یا بیع و اجاره نموده‌اند. لازم است گفته شود که این قبیل خسارات در اثر تقصیرات سازمان نیروهای مسلح است و کارکنان پلیس تقصیرات عمدی یا غیرعمدی در قبال دعاوی حقوقی ملکی ندانند (شعاریان، 1388: 301-300).

### 3-8. جبران خسارت جسمانی

امروزه به نظر می‌رسد که رویه معمول در نظام حقوقی کشور ما، دیه ما به ازای صدمات جسمانی است مازاد بر آن وجود دارد، و به تبع آن رد سازمان پلیس اعم از اینکه افراد مقصر باشند یا سازمان، برای جبران خسارت به همین روش عمل می‌شود، اما مواردی دیده شده است که سازمان برای جلب نظر زیان‌دیده و اعلام گذشت وی در پرونده‌های کیفری، به نوعی به پرداخت مازاد بر دیه تحت‌عنوان توافق با مصالحه بر بیش از دیه روی آورده‌اند. البته این موارد غالباً ناظر به خسارت ناشی از تیراندازیهای منجر به قتل افراد بوده است (بابائی، 1389: 5).

### 8-4. جبران خسارت بنابر شرایط

#### الف) جانبازی

برابر ماده ۱۰۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی و مواد مشابه در قانون مقررات استخدامی سپاه و ناجا، چنانچه پرسنلی حسب یکی از بندهای مندرج در این ماده، مجروح شود، جانباز شناخته شده و مشمول یکی از بندهای الف، ب و ج ماده ۱۰۸ قانون ارتش و مواد مشابه در قانون سپاه و ناجا خواهد شد. برابر قوانین و مقررات، استخدام این قبیل جانبازان در دستگاه‌های اجرایی منع قانونی نداشته و آنان علاوه بر دریافت حقوق وظیفه از سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، می‌توانند در دستگاه‌های اجرایی استخدام شوند. با تصویب قانون حالت اشتغال در تاریخ ۷۲/۶/۳۰ در مجلس شورای اسلامی، همه جانبازان حسب این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، با قانون حالت اشتغال تطبیق وضعیت شدند و آن گروه از جانبازان مشمول بندهای ب و ج نیروهای مسلح که از کار افتاده کلی شناخته شدند، قانون برقراری حقوق وظیفه آنان به قانون حالت اشتغال تبدیل شد. مقنن با علم به اینکه پرداخت حقوق وظیفه به جانبازان از کارافتاده کلی، تضییع حقوق قانونی آنان است، این افراد را مشمول قانون حالت اشتغال کرد (حاجی‌عیزی، ۱۳۸۰: 63).

#### ب) معلولیت

اگر فردی در حین خدمت دچار حادثه شود به‌عنوان معلول خدمتی شناخته شده و اگر این فرد حین عملیات دچار آسیب شود به‌عنوان جانباز شناخته می‌شود. مزایای این افراد متفاوت است به صورتی که جانبازان در صورت درخواست بازنشستگی با دو رتبه بالاتر بازنشست شده و معلولان یک رتبه بالاتر دریافت می‌کنند. سربازان وظیفه‌ای که در حین انجام وظیفه معلولیت پیدا می‌کنند برابر قوانین و مقررات در صورت نقص عضو یا از کارافتادگی کلی و یا جزئی پرسنل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای تابعه یا وابسته به آنها و جانباز یا معلول حین خدمت غرامت دریافت می‌کنند (نجفی و همکاران، 1397: 215).

### 5-8. جبران خسارت از طریق مطالبه و پرداخت دیه

پرداخت دیه در قبال خسارت بدنی، در نظام‌های حقوقی معاصر، منحصر به فقه اسلامی است و در سایر نظام‌های حقوقی، در صورتی که مصدوم بلافاصله فوت شود، تنها هزینه کفن و دفن او بر عهده آسیب رساننده است. هر چند بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در زمان گذشته دیه، به نوعی در میان تمام اقوام از قبیل قوم بابل و آشور، مردم یونان و در قانون رم قدیم و کشورهای آنگولاساکسون وجود داشته و در کتب ادیان گذشته مانند تورات و انجیل هم مطرح بوده است (ادریس، ۱۳۷۲: 53). ولی در حقوق معاصر این کشورها، همانگونه که اشاره خواهد شد، خسارت وارده بر جسم را با توجه به هزینه درمان مصدوم، مدت بیکاری یا از کارافتادگی، درآمد و افراد واجب النفقه تحت تکفل او برآورد می‌کنند و هیچ مبلغی از پیش معین شده‌ای، به مصدوم یا وابستگان او تعلق نمی‌گیرد. مگر در حقوق انگلستان که مبلغ ۷۵۰۰ پوند قانوناً به پدر و مادر میت در صورتی که مجرد باشد یا به همسر او در صورتی که معیل باشد بابت فقدان فرزند یا همسر پرداخت می‌گردد که این مبلغ بسیار اندک و ناچیز است. ولی در فقه - اسلامی یک مبلغ قابل توجهی تحت عنوان دیه به تمام وابستگان مصدوم، اعم از کارافتاده یا شاغل، پیر یا جوان، پرداخت می‌گردد. بنابراین قبل از بررسی خسارت بدنی، لازم است ماهیت حقوقی دیه در فقه اسلامی روشن گردد. درباره ماهیت حقوقی دیه در بین فقیهان اختلاف است. بعضی آن را مجازات محض صدمه زننده تلقی کرده و بعضی دیگر آن را مجازات صدمه زننده همراه با خسارت مصدوم یا دارای ماهیت مختلط محسوب نموده و بعضی دیگر آن را خسارت محض دانسته‌اند (باریکلو، ۱۳۸۷: 16). در مقررات قبل از انقلاب اسلامی جبران خسارت‌های بدنی فقط از طریق مقررات مسئولیت مدنی بود یعنی برای هر اتهام ضرب و جرحی و یا ایراد صدمه بدنی اول پرونده کیفری تشکیل و طبق قانون مجازات عمومی رأی صادر می‌شد سپس از طریق دادگاه‌های حقوقی مصدوم برای احقاق حق، دادخواست حقوقی بر مبنای مقررات مسئولیت مدنی طرح دعوا می‌نمود اما پس از انقلاص اسلامی در جهت اسلامی کردن مقررات و قوانین، قانون دیات تصویب و جبران خسارت منحصر از طریق نهاد دیه انجام شد. جبران خسارت با این روش محصنات زیادی دارد ولی در برخی موارد پرداخت خسارت از این طریق، تکافوی تمام زیان‌های وارده و هزینه‌های پرداختی را نمی‌کند؛ در حالی که طبق مقررات مسئولیت مدنی هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. نباید قوانینی به تصویب برسد و اساساً آن به اسلام منتسب شود ولی موجب، کم رنگ شدن تأثیر فقه در جامعه ما منجر شود در حالی که تأکید حضرت امام خمینی بر قوانین متخذ از فقه جواهری و تطبیق فقه جواهری با زمان و مکان داشتند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶). می‌توان با تمسک به قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر، لاجرح، تسبیب و ... به مشروعیت مطالبه خسارت مازاد بر دیه استفاده کرد. خیلی از مشکلات موجود در قانون دیات ۱۳۱۶ با تصویب قوانین جدید حل شده از جمله محدودیت در مسئولیت عاقله، تنصیف دیه زنان و جبران نصف آن از سوی دولت و حذف دیات ششگانه و مشکل اساسی در حال حاضر به بیمه و الزام به اخذ الحاقیه پس از سال جدید و عدم تصویب قوانینی برای حق مطالبه خسارت مازاد بر دیه و یا واقعی کردن قیمت دیه با استفاده از پتانسیل و قدرت بالقوه موجود در فقه امامیه به نقطه مطلوب رسیده است (طاهری، ۱۳۹۰: 345).

#### الف) مطالبه دیه

یکی از مسائل مهم جامعه اسلامی، جبران خسارت و ضرر بدنی است. در اکثر نظام‌های حقوقی دنیای معاصر صدمه زننده مسئول و ضامن جبران تمام خسارت ناشی از این صدمه است. در حقوق اسلام و به تبع آن در حقوق ایران برای ضرر بدنی دیه پرداخت می‌شود. برای جبران لطمات وارده و نیز تاسیس ضمانت اجرایی برای صیانت از تمامیت جسمانی انسان‌ها، شارع مقدس بر اساس شدت و نوع خسارت جانی وارده میزان مشخصی مال به عنوان دیه تعیین نموده است که از طرف شخص جانی به خسارت دیده (و در صورت فوت، ولی دم او) می‌بایست پرداخت شود. در مواردی که دیه معین نشده، حاکم با توجه به شدت خسارت وارده حکم به پرداخت ارش صادر می‌نماید (بیرانوند، ۱۳۹۷: ۲). شارع مقدس برای تشفی خاطر بزه‌دیده، دیه را به عنوان حقی تشریع فرموده که بزه دیده می‌تواند به عنوان کیفر مالی متناسب با آسیبی که به او رسیده، از جانی اخذ کند، یعنی دیه جایگزین عیب یا نقص یا شکستگی یا زخمی است که در وجود بزه دیده، پیدا شده و در واقع، جایگزین ارزش مال تباه شده و بهای نقص و عیب و آسیب است و نه بهای تندرستی و به جای آن (شامیپاتی، ۱۳۹۳: 344). در حقوق ایران به پیروی از فقه امامیه مسئولیت پرداخت دیه یا برعهده واردکننده زیان (جانی) یا عاقله و یا بیت المال نهاده شده است و اصولاً



دیه قتل عمد و شبه عمد و دیه جراحات‌های کمتر از موضحه که ناشی از خطای محض باشد برعهده خود واردکننده زیان است. در قتل خطای محض نیز اگر قتل با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود، پرداخت دیه برعهده خود اوست. البته گاهی ضررهای ناشی از صدمات جسمانی وارده بر زیان‌دیده بسیار بیش از مبلغ دیه‌ای است که دریافت می‌نماید، از جمله خسارات اضافی ناشی از هزینه‌های درمان و از کارافتادگی که دو مصداق شایع آن می‌باشند سؤال قابل طرح این است که آیا این خسارات اضافی قابل مطالبه می‌باشند؟ در خصوص این مسأله آرای صادره از دادگاه‌ها باعث شده که رویه‌ی واحدی ایجاد نگردد با این توضیح که نه تنها دادگاه‌های تالی بلکه قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور هم در پاسخ به این سؤال نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند و این تفاوت در آراء منجر به صدور دو رأی اصراری هم در این زمینه شده است. مخالفان پرداخت خسارات مازاد بر دیه چنین استدلال می‌کنند که در قانون‌دی ات به جزء پرداخت دیه مبلغ دیگری بر عهده جانی نیامده، علاوه بر این، شکستگی یا طول درمان آن نیز از قدیم وجود داشته است و یکی از عوارض طبیعی شکستگی، مدت زمانی است که تفویض می‌شود تا عضو آسیب دیده ترمیم گردد و سلامت خود را بازیابد و به همین خاطر در احادیث و روایات مازاد بر دیه چیزی بر جانی تحمیل نشده است (نجفی، 1404ق: 427). از سوی دیگر مخالفین اعتقاد دارند در اسلام از موارد منصوص نمی‌توانیم تجاوز کنیم مگر فتوای جدیدی صادر شود یا قانونی در این زمینه تصویب شود لذا چون دلیلی در مقابل تخطی از مستندات فقها نداریم نمی‌توانیم خسارات مازاد بر دیه را بر جانی تحمیل کنیم. در مقابل موافقین امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه نیز متقابلاً اظهار نموده‌اند که شارع مقدس در مقام تعیین میزان دیه، پرداخت خسارات مازاد بر دیه را منع نکرده بلکه در مقام تشریح فقط میزان مشخص دیه را تبیین فرموده و در برخی از موارد ارش را نیز به کمک گرفته، لکن در پرداخت خسارات مازاد بر دیه سکوت نموده است. از سوی دیگر خسارت مازاد بر دیه براساس قاعده لاضرر قابل مطالبه است (مهمان- نوازان، 1390: 241). در واقع با توجه به دلایل ذیل به نظر می‌رسد که در حقوق موضوعه ایران، خسارات مازاد بر دیه قابل جبران می‌باشد. اولاً اکثر فقها اعم از شیعه یا سنی دیه را عوض عضو تلف شده می‌دانند و نتیجه این عقیده این است که دیه در مقابل خسارات مازاد قرار نگرفته و در خصوص آنها باید به سایر قواعد مربوط به ضمان مثل تسبیب مراجعه کرد (شفیعی- سروستانی و همکاران، 1376: 36). ثانیاً بحث خسارات مازاد بر دیه در واقع ضرر است و برحسب قضا، منطق و عرف جبران آنها ضروری است. ثالثاً بحث خسارات مازاد بر دیه از مسائل جدید در فقه بوده که قبلاً سابقه نداشته، بنابراین با مراجعه به فتاوی جدید نمی‌توان نظر قاطعی مبنی بر غیرشرعی بودن خسارات مازاد بر دیه استخراج کرد، چرا که تعداد بسیاری از این فتاوی با پرداخت خسارات مازاد بر دیه موافق می‌باشند. رابعاً هر چند که در قانون مربوط به دیات در این خصوص تجویزی موجود نمی‌باشد، لیکن این بدان معنا نیست که در نظام حقوقی ایران حکمی در این خصوص وجود ندارد چرا که هیأت عمومی دیوان کشور در رأی اصراری شماره ۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۵، مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی را در مورد خسارات مازاد بر دیه قابل استفاده دانسته و مواد مذکور را مبنای روشنی در این زمینه به حساب آورده است (مهمان‌نوازان، 1390: 241).

لذا با توجه به مواد فوق‌الذکر چنین به نظر می‌رسد که در حقوق موضوعه ایران خسارات مازاد بر دیه مضمون بوده و قابل جبران می‌باشند و بهتر است طریق جبران آن به صورت پرداخت وجه نقد و پول در نظر گرفته شود که روش سهل، آسان و بهتری است. دیه دارای ماهیت مستقل است و زیان مازاد بر آن مسئولیت مدنی است. لذا این دو نهاد می‌توانند در کنارهم باشند بدون اینکه با هم تعارضی یا تزاممی داشته باشند. یا یکدیگر را نفی نمایند. اگر ما دیه را مسئولیت مدنی بدانیم باید با پرداخت دیه، دعوی ضرر و زیان را تمام شده بدانیم. لذا مازاد بر دیه مسئولیت مدنی است نه تمام زیان‌های وارده علاوه بر دیه. زیان معنوی مازاد بر دیه قابل مطالبه نیست. زیرا دلیلی در دست نیست تا با پرداخت دیه هنوز خسارت معنوی ترمیم نشده باشد ولی زیان‌های مالی مازاد بر دیه قابل مطالبه است. قانونگذار جمهوری اسلامی سعی کند با ارایه قوانین جدید در مورد خسارت مازاد بر دیه راههای جبران این خسارت را بر زیان‌دیده هموار سازد تا زیان‌های وارد شده بر او جبران شود (بیرانونه، 1397: 5).

(ب) پرداخت دیه توسط شخص ثالث

مقصود از ثالث، هر شخصی یا سازمانی غیر از فرد مقصر است. ثالث می تواند سازمانهای بیمه ای باشد یا سازمان انتظامی (نجفی و همکاران، ۱۳۹۷، 219).

#### ج) پرداخت دیه از طریق بیمه مسئولیت حرفه ای

با گذشت زمان و از بین رفتن یا کم رنگ شدن ضمان عاقله، به نحوی که در حکم از بین رفتن است و ناکارآمدی آن در جرائم قتل غیر عمدی از نوع شبه عمد یا عمد منجر به پرداخت دیه و همچنین ناکارآمدی ضمان عاقله در جرائم غیر از قتل و جرح و مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر حقوقی و دلایل دیگر از جمله منافع اقتصادی، افرادی را وادار به تأسیس شرکت های بیمه ای و افرادی را وادار به انعقاد قرارداد با این شرکت ها نموده است. در سازمان که مسئولیت های متعددی در اثر تیراندازیها و ... در اجرای مأموریت کارکنان محقق می شود و در نتیجه سازمان و کارکنان را در تنگنای پرداخت دیه توسط شخص زندگی وی در مضیغه قرار می گرفت و گاه نیز به علت عجز از تأدیه خسارت و در اثر تقاضای اعمال ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی روانه زندان می گردیده اند؛ به منظور رفع این مشکلات، هیأت امنای بنیاد تعاون نیروی انتظامی که در رأس آن فرماندهی این نیرو قرارداد مبادرت به تأسیس بیمه «ناجی امید» و متعاقب آن «بیمه مسئولیت حرفه ای» نمود (پایروند، 1396: 9).

#### د) پرداخت دیه از طریق بیمه شخص ثالث خودروهای سازمانی

سازمان نیروهای مسلح برای حمایت از کارکنان خود که امر رانندگی عهده دار هستند، اقدام به بیمه کردن شخص ثالث را نزد شرکت های بیمه ای از جمله بیمه ناجی امید و بیمه ایرانی نموده است که تعهدات شرکت های بیمه گر در این مورد تابع قواعد عمومی و مانند شهروندان است ولی در شکل و زمان انعقاد عقد بیمه متفاوت است؛ یعنی سازمان بابت بیمه نمودن وسایل نقلیه زمینی یا دریایی اقدامی نمی کند، ولی در صورت وقوع تصادف یا تصادم، این وسایل مشمول بیمه آبی می شوند، یعنی به محض وقوع تصادف، وسایل نقلیه مشمول بیمه شخص ثالث می شود. در کلیه تصادف های منجر به جرح دو فوت که راننده سازمانی، کارکنان مقصر باشند و مسئولیت های مدنی آنان محقق می شود از این بیمه استفاده می کنند ایرادی که در پرداخت خسارت از طریق بیمه وسایل نقلیه وجود دارد این است که سازمان فقط در مقابل خسارت وارده به اشخاص ثالث متعهد گردیده و خساراتی که به وسیله نقلیه سازمانی وارد گردیده باشد جبران نمی شود به عبارت دیگر سازمان اقدام به بیمه گذاری در خصوص بیمه بدنه وسایل نقلیه نمی کند و در صورت وقوع تصادف و تقصیر راننده، شخصاً باید خسارت مالی را جبران کند. و چنانچه خسارت وارده بیش از ده میلیون ریال باشد، عمل راننده جرم است و به موجب ماده (۸۵) ق.م.ج.ن. مسلح به محاکم نظامی معرفی می شود (دهقانی، 1390: 78).

#### ه) پرداخت دیه از محل بودجه سازمان

در مواد (۴۷۰) ق.م. اسلامی و ماده (۱۳) ق.ب. سلاح، مواردی پیش بینی شده است که ناظر به مورد خاص تیراندازی توسط مأمورینی است که مقررات تیراندازی را رعایت کرده اند در ماده (۴۱) ق.م.ج.ن. مسلح نیز در صورت عدم تقصیر مأمور و ایراد خسارت به ثالث بی گناه، به ماده (۱۳) اخیر ارجاع داده می شود. اگرچه این مواد قانونی و ماده (۳۳۱) ق.م. اسلامی، شامل مواردی است که مسئولیت دولت، بدون تقصیر باشد یا به عبارتی دیگر دولت در قبال اقدامات کارکنان خود مسئولیت دارد، اما در هر حال سازمان پلیس مبادرت به جبران خسارت وارده بر مبنای مواد (۱۳) ق.ب. سلاح و (۴۱) ق.م.ج.ن. مسلح می کند و بیشترین آمار جبران خسارت به همین موضوع اختصاص یافته است. آن دسته از تیراندازی هایی که کارکنان مرتکب جرم عمدی می شوند از طریق بیمه و آن دسته هم که مشمول این مواد باشند اخیراً از محل بیمه مسئولیت حرفه ای پرداخت خواهد می شود. ایرادی که در این مورد وجود دارد این است که در این مورد و مواردی که بیمه امید ناجی، دیه و غرامت ناشی از صدمات جسمانی را می پردازد صرفاً دیه را متقبل می شود و خسارت مالی از جمله خسارت به اموال، وسایل نقلیه و سایر اشیاء متعلق به غیر را جزء تعهدات خود نمی داند. به عنوان مثال در تبصره یک ماده (۶) ق.ب. سلاح پیش بینی شده که مأمورین ابتدا به روش های دیگر برای توقیف خودروها متوسل بشوند و در صورتی که مؤثر واقع نشد مبادرت به تیراندازی کنند و مأمورین نیز به همین دلیل ممکن است قبل از تیراندازی از وسایل بازدارنده مثل تله میخی، زنجیر و ... استفاده کنند و در اثر



برخورد با خودروهای عبوری با آن، خساراتی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم (مثل واژگونی خودرو در اثر برخورد با مانع) خسارت ببیند؛ سازمان در قبال آن تعهدی ندارد و مأموری که بدون تقصیر است باید از عهده جبران خسارت برآید. شایسته است مقنن برای این نقص قانونی نیز چاره‌اندیشی کند (نجفی و همکاران، 1397: 217).

#### ز) پرداخت دیه از بیت‌المال

قانون‌گذار در مواد (۴۶۳) و (۴۶۷) قانون مجازات اسلامی و برخی مواد دیگر، مواردی را پیش‌بینی کرده که در صورت نبود عاقله یا عدم تمکن و یا در دسترس نبودن آنان و... دیه مقتول بی‌گناه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. حکم این مواد منحصر به دیه است و خسارات مالی را شامل نمی‌شود و ماده (۱۳) قانون به کارگیری سلاح و ماده (۴۱) ق.م.ج.ن مسلح نیز ناظر بر دیه است و خسارات مالی را در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین، فقط خسارت دیه از بیت‌المال قابل پرداخت است و سالیانه به همین منظور بودجه‌ای در ردیف بودجه وزارت دادگستری منظور و دیه از این محل پرداخت می‌شود. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که نظر به وجود قوانین خاص (قانون به کارگیری سلاح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران) و تعیین تکلیف در این قوانین، محلی برای استناد به قانون مجازات اسلامی برای پرداخت دیه از بیت‌المال در قبال اقدامات کارکنان پلیس یا سازمان باقی نمی‌ماند (ملک‌زاده، 1389: 132).

#### 9. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گسترده‌ی فعالیت‌های سازمان نیروهای مسلح از یک سو و میزان بالای اختیارات و قدرت آن در امر و نهی به پرسنل و کارکنان از سوی دیگر، باعث شده است که همواره احتمال ایراد خسارت و بروز ضرر نسبت به کارکنان این سازمان وجود داشته باشد. سازمان نیروی مسلح در رهگذر انجام وظایف خود ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورند، که این خسارت در حوزه مسئولیت کیفری و مدنی مورد توجه قرار گرفته است و رعایت اصول ایمنی از مسائل بسیار مهمی است که با جان انسان‌ها و تجهیزات پر ارزش آن، در سازمان نیروهای مسلح در ارتباط می‌باشد و تمامی مسئولان و فرماندهان هر یک دارای مسئولیت‌ها و وظایفی هستند تا وقوع حوادث و سوانح را به حداقل برسانند و همچنین در صورت وقوع حادثه‌ای می‌توان میزان مسئولیت آنها را تعیین و برخورد قانونی نمود شایان ذکر است ضمانت اجرای رعایت مقررات و اصول همان مسئولیت‌های مدنی و کیفری می‌باشد که قانون پیشی بینی نموده است. در ماده ۵۹ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح به صراحت از مسئولیت مدنی فرماندهان در قبال مسایل ایمنی صحبت به میان آمده است در خصوص رعایت مسایل ایمنی باید گفت که قانونگذار هر گونه و خطا و اهمالی که موجب به خطر افتادن جان نظامیان شود را موجب تحقق جرم و مجازات می‌داند و قانونگذار در قانون جرایم نیروهای مسلح نیز تلفاتی که از طریق بی احتیاطی و بی مبالائی و عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرماندهان و مسولین صورت بگیرد موجب مجازات دانسته است. هرچند که در مقابل مواردی وجود دارد که سازمان نیروی مسلح علیرغم ورود زیان، مسئول شناخته نمی‌شود که این موارد را می‌توان چنین برشمرد: تقصیر زیان‌دیده، فعل ثالث و علل موجه چون: دفاع مشروع، اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار. با توجه به منطق و روح حاکم بر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، توضیح سه نکته ضروری به نظر می‌رسد اول اینکه، در حقوق ایران نظریه مسئولیت غیرمستقیم سازمان نیروهای مسلح به‌عنوان یک نظریه مبتنی بر احراز تقصیر، میتواند مبنای مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح در قبال صدمات و به این معنا که اگر خسارت و زیان به اشخاص ناشی از تقصیر شخصی کارمند یا مأمور دولت باشد، خود او باید مسئول و پاسخگوی تقصیر شخصی‌اش باشد. اما اگر ایجاد خسارت و زیان مستند به عمل کارمند نباشد، بلکه به دلیل نقص وسایل و ابزار کار و یا عدم سازماندهی صحیح کلی دستگاه دولتی باشد، چون در این فرض نقص و نارسایی مربوط به نحوه اعمال قدرت عمومی است، لذا سازمان ضامن خسارات وارده بوده و از بابت هزینه‌های مربوط به جبران زیان از بیت‌المال، امکان مراجعه به مستخدم و مأمور را نخواهد داشت و هزینه‌های مربوطه صرفاً برعهده دولت خواهد بود. دوم اینکه، مسئولیت دولت فقط شامل اعمال تصدی‌گری آن می‌شود و در اعمال حاکمیت، هر چند موجب زیان عده‌ای باشد، مسئولیتی برعهده دولت نیست مثلاً قوه مقننه قانونی را تصویب می‌کند که عده‌ای از آن منتفع می‌شوند و بسیاری هم از رهگذر آن قانون متضرر می‌گردند. لذا عمل قانونگذاری که از مصادیق بارز اعمال حاکمیت است، ولو اینکه باعث زیان و خسارت عده‌ای شود، هرچند از

نظر حقوق بین الملل ممکن است دولت مسئول شناخته شود، ولی از نظر حقوق داخلی موجب مسئولیت مدنی دولت نمی گردد. زیرا، این گونه خسارت ها از آثار و نتایج قهری زندگی اجتماعی می باشد اقدامات دولت در زمان جنگ از قبیل اشغال اراضی، تخریب زمین ها، کشته و مجروح شدن افراد نظامی یا غیر نظامی در صحنه های جنگ و پشت جبهه، از مصادیق اعمال حاکمیت و برای دفاع از کیان کشور محسوب است که مسئولیت مدنی دولت در آن راه ندارد. مطلب سوم این است که، در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نسبت به حالتی که زیان وارده ناشی از تقصیر کارمند و مامور دولت و همچنین مربوط به نقص وسایل اداره نباشد، یا خسارت ناشی از سوء مدیریت و تدبیر باشد، لذا در اینگونه موارد حکمی ندارد. لذا در اینگونه موارد باید بر اساس اصول کلی مسئولیت و عنداللزوم با مراجعه به قوانین خاص دیگر به موضوع رسیدگی شود. نکته مهمی که در خصوص مسئولیت سازمان نیروهای مسلح وجود دارد گاهی اوقات مسئولیت سازمان براساس نظریه خطر شکل می گیرد که باید مسئولیت صرف دولت را به جهت ایجاد خطر نامتعارف برای دیگر اقدار جامعه پذیرفت و پس از جبران خسارت (توسط دولت)، می توان عامل تقصیر را برای مأمورین شرط تحقق مسوولیت بار کرد و جبران آن را از مامور خاطی طلب نمود تا بدین وسیله راه پرپیچ و خم اثبات در محاکم را به فرد آسیب دیده تحمیل ننمود. از آنجا که هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده است که پس از احراز وجود ارکان آن مطرح می گردد. جبران خسارت از زیان دیده به اشکال مختلفی ممکن است انجام پذیرد. راه نخست بازگرداندن وضع پیشین زیان دیده می باشد وضعی که قبل از ایراد ضرر وجود داشته است. در این صورت خسارت زیان دیده چنان ترمیم می شود که گویی از اصل زیانی وجود نداشته است. راه دوم جبران خسارت دادن معادل به زیان دیده می باشد به این معنی که ارزش معادل آنچه که از دست رفته است به زیان دیده بدهید که این معادل ممکن است مثل باشد یا قیمت. در خصوص چگونگی جبران خسارت ناشی از اعمال کارکنان سازمان های دولتی از جمله سازمان نیروهای مسلح، عده ای عقیده دارند منطقی ترین شیوه در جبران خسارت، پرداخت پول به میزان زیان وارده است زیرا اعاده وضعیت سابق به عنوان طریقه دیگر جبران خسارت مثل احداث مجدد ساختمان تخریب شده با ماهیت امور اداری که تابع تشریفات و سلسله مراتب اداری است، هماهنگی ندارد و امکان رفع سریع خسارت وجود ندارد. در حقوق ایران با توجه به ماده ۳ ق م م که مقرر می دارد «دادگاه میزان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» منعی در حکم به الزام دولت به انجام یک کار معین یا پرداخت مثل وجود ندارد و قاضی در گزینش شیوه مناسب جهت ترمیم خسارت آزاد است. لازم به ذکر است در جبران خسارت بدنی که برای پرسنل سازمان نیروهای مسلح بیشترین نوع خسارت هستند، در بیشتر موارد باز گرداندن وضعی زیان دیده به صورت پیشین امکان پذیر نیست و معمولاً خسارات وارده به پول تبدیل گردیده و به زیان دیده بی گناه به جهت جبران خسارت او پرداخت می شود. مسأله ای که در زمینه جبران خسارت ممکن است پیش آید، تاریخ ارزیابی مقدار خسارت است زیرا ممکن است میزان خسارت ناشی از حادثه ای تا تاریخ صدور حکم و اجرای آن تغییر یابد، راه منطقی این است که هرگاه تغییر میزان خسارت به علت دگرگونی ماهیت خود خسارت باشد، بی گمان باید تغییرهای بعد از وقوع حادثه را در نظر آورد ولی اگر تغییر میزان خسارت ناشی از تغییر ارزش ریالی باشد، میزان خسارت را در زمان صدور حکم ارزیابی نمود و از این راه هدف قواعد مسئولیت مدنی را که بازگرداندن وضع زیان دیده به حال پیشین است ترمیم نمود.

پیشنهادهایی که در این خصوص مطرح می گردند عبارتند از:

-در ایران با توجه به اصل ۱۷۳ ق ۱ و ماده ۱۱ قانون دیوان رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی سازمان نیروهای مسلح در صلاحیت دیوان عدالت قرار دارد و تبصره یک ماده مزبور نیز تعیین میزان خسارت وارده از ناحیه مؤسسات دولتی و کارکنان آن را پس از تصدیق دیوان برعهده دادگاه عمومی قرار داده است. اجبار زیان دیده به طرح دعوی دیگر در دادگاه های عمومی و پس از صدور حکم دیوان عدالت و انتظار مجدد وقت رسیدگی و طی مراحل دادرسی دور از عدالت و منطق است لذا پیشنهاد می شود در وضعیت فعلی، مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی علیه سازمان نیروهای مسلح در حقوق ایران، دیوان عدالت اداری و دادگاه های عمومی به صورت تزامن باشد.

-سازمان نیروی مسلح در خصوص خسارت ناشی از اعمال تصدی به دیگران مسئولیت داشته و امروز مصونیت سازمان در خصوص اعمال حاکمیت مانند گذشته مطلق نیست زیرا به نظر می رسد چنانچه در جریان همین اعمال حاکمیت خسارتی به شخصی وارد گردیده و زیان دیده بتواند تقصیر عمدی عامل دولت در نقض مقررات و در جهت اضرار به خویش ثابت نماید و



امکان رفع خسارت وارده بعید دور از انتظار نیست. در این زمینه قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ناکارآمد و ناقص بوده لذا پیشنهاد می شود نسبت به اصلاح و روزآمدن کردن آن تدابیر لازم اندیشه شود.

-پراکندگی قوانین، نگاه موردی به مسوولیت مدنی سازمان، همچنین فقدان راهکارهای اجرایی دقیق و عدم وحدت رویه در موارد مشابه مثل حدود مسوولیت ناشی از تقصیر نیروهای مسلح و اعمال نظامی، از مهمترین ضعفها و خلاءهای قانونی راجع به نظام مسوولیت مدنی دولت می باشد. لذا پیشنهاد می شود بازنگری جامع در این زمینه شود و تدوین و تصویب قانون جامع تحت عنوان «مسوولیت مدنی دولت در خصوص نیروهای مسلح» امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

- فرماندهان و مسئولان سازمان نیروی مسلح در قبال مأموریت های محوله یک نوع تعهد ایمنی را برعهده گرفتند تا مأموریت را بدون هیچ گونه خسارتی که ناشی از بی احتیاطی به پرسنل باشد به پایان برسانند این تعهد قبلا از طریق تبیین قوانین، دستورالعمل ها و آیین نامه ها ایجاد شده پیشنهاد می شود قانونگذار از طریق اعمال این تعهد بر الزام هر چه بیشتر فرماندهان در خصوص رعایت مسایل ایمنی در جهت حفظ جان نیروهای مسلح و جلوگیری از خسارت اقدام کند.

## منابع

بیرانوند، چنگیز، بررسی روش های جبران خسارت های بدنی. (1397). مسئولیت مدنی در حقوق ایران چالش ها و راهکارها، اولین همایش ملی ارتقاء نظام. دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.  
طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (1387). حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت.  
عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی. (1386). تهران، میزان.  
غمامی، مجید. (1376). دیپاچه مسوولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، به نقل دکتر ناصر کاتوزیان، چاپ اول، دادگستر.

موحد، محمد علی. (1382). مختصر حقوق مدنی، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.  
جلالین، عسکر؛ مهدی فرزانه؛ علی سلیمی و منوچهر شهبازی، ۱۳۹۷ مسیولیت مدنی دولت نسبت به اعمال نیروهای مسلح و اعمال نظامی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، خوی، دانشگاه آزاد اسلامی زرقان -آموزش عالی علامه خویی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری.  
حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی. (1370). بخش فرهنگی چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.

انصاری، باقر. (1380). گزارش مبانی مسؤولیت مدنی مؤسسات عمومی، تهران: دفتر پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری.

موسی زاده، رضا، حقوق اداری ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۶.  
عباسی، بیژن، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی مسئولیت اداره، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۵.  
دیباچی، سیدامیرحسین و عباداله قدردان ایزدی، ۱۳۹۶، بررسی جایگاه مسیولیت مدنی در نظام حقوقی شهرداریها، همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی، بابل، مرکز همایش های کوشا گستر.  
زارع، علی؛ حسین پور، محمدرضا؛ آقایی، یحیی. ۱۳۹۵، مبانی مسئولیت مدنی شهرداریها در رابطه با کارکنان ومستخدامان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۴.

عباسلو، بختیار، مرادی، عزیز مراد، مصطفی نژاد، حسن، ۱۳۹۲، تأثیرمسئولیت مدنی ناشی از فعل رؤسای کلانتری ها و مأمورین تحت امر آنان برانجام وظایف ضابطین، فصلنامه پژوهشهای انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.  
شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور، ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی پلیس، تبریز، نشر فروزش، چاپ اول.  
کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. 1387.  
آشوری، محمد، ۱۳۷۶، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، سمت، چاپ سوم.

کریمی، مسعود و ام البنین شیبانی، ۱۳۹۶، بررسی مسیولیت آحاد کارکنان نیروهای مسلح در خصوص رعایت اصول ایمنی با نگاهی بر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.



- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۲، موجبات ضمان، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- کیانی، عباس، ۱۳۹۷، حدود مسئولیت سازمان نیروهای مسلح در قبال صدمات و خسارات وارد شده به پرسنل، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، خوی، دانشگاه آزاد اسلامی زرقان - آموزش عالی علامه خویی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری،
- وحدتی شبیری، حسن، سامانی، احسان، ۱۳۹۵، نگرشی بر نوع مسئولیت دولت در قبال کارکنان خود، دین و قانون، شماره ۱۴.
- میرزائی، رضا، ۱۳۹۲، استفاده ایمن از وسائل و تجهیزات کار، فصلنامه ایمنی، تهران، سال دوم، شماره دوم.
- یزدانیان، محمد، ۱۳۹۰، قانون مجازات جرایم نیروی های مسلح در نظم کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- نجفی، زینب و همکاران، ۱۳۹۷، عدالت ترمیمی در پرتو مسئولیت مدنی ضابطین، پژوهشهای انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره سوم.
- حاجی عزیزی، بیژن، ۱۳۸۰، روشهای جبران خسارت در مسئولیت مدنی، ماهانه علمی و پژوهشی دانشور، سال دهم، شماره ۳۶.
- مهمان نواز، روح الله، ۱۳۹۰، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، نشر مجد چاپ دوم.
- بابائی، ایرج، ۱۳۸۹، جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
- ادریس، عوض احمد، ۱۳۷۲، دیه، ترجمه علی رضا فیض، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام.
- باریکلو، علی رضا، ۱۳۸۷، جبران خسارت بدنی در فقه اسلامی، مجله مطالعات اسلامی.
- احمدی، قادر، مرادخانی، احمد، عسگری علیرضا، احمدی، محمد مهدی، ۱۳۹۳، جبران خسارت بدنی، از طریق نهاد دیه یا مقررات مسئولیت مدنی.
- طاهری، حبیب اله، ۱۳۹۰، بی تا، حقوق مدنی، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، جلد دوم.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۳، حقوق جزای اختصاصی، نشر مجد.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهرالکلام، المکتبه الاسلامیه، جلد ۴۳، چاپ ششم، تهران.
- شفیعی سروسرستانی، ابراهیم؛ ستایش، رحمان؛ قیاسی، محمد کاظم، ۱۳۷۶، قانون دیات و مقتضیات زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول.
- ملک زاده، سلیمان، ۱۳۸۹، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- دهقانی، محمد، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندان. پایان نامه کارشناسی، ارشد، دانشگاه تبریز.
- پایروند، حسین، ۱۳۹۶، مسئولیت مدنی جبران خسارت ناشی از اقدامات پلیس، کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱، رشت، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.



## Article 11 of the civil responsibility law and its comparison with the responsibility of the armed forces and its limits

Masoud Ahmadi Rad  
(Master of Criminal Law and Criminology)

### Abstract

The scope of activities of the armed forces organization on the one hand and its high level of authority and power in commanding and forbidding the personnel and employees on the other hand, has caused that there is always the possibility of damage and loss to the employees of this organization. In the course of performing their duties, the armed forces organization may cause damage to others, and this damage has been taken into consideration in the field of criminal and civil liability, and due to its importance in this research, the purpose of examining Article 11 of the Civil Liability Law and comparing It is the responsibility of the armed forces for the injuries and damages caused to the personnel, which was explained by the descriptive-analytical method that includes library studies and the review of related texts, and the findings of the research show that there are cases where the organization of the armed forces Despite the loss, he is not recognized as responsible for these cases, which can be considered as the fault of the injured party, the third act and justified reasons such as legitimate defense, law enforcement, and actions arising from emergency...; According to the logic and spirit governing Article 11 of the Civil Liability Law, it seems necessary to explain three points. Article 59 of the Armed Forces Disciplinary Code clearly mentions the civil responsibility of commanders for safety issues. Secondly, the government's responsibility only includes its administration and in the exercise of sovereignty, even if it causes losses to some people, it is not the responsibility of the government. Another thing is that, in Article 11 of the Civil Liability Law, there is no ruling on the case where the damage is not caused by the fault of the government employee and official, nor is it related to the defect of the office equipment, or the damage is caused by mismanagement and mismanagement. . Therefore, in such cases, the matter should be handled based on the general principles of responsibility and, if necessary, by referring to other specific laws. Since the main purpose of civil liability is to compensate for the loss, which is raised after the existence of its elements is established. Compensation from the injured party can be done in different ways, which includes restoring the previous status of the injured party, giving equivalent compensation to the injured party; that in compensating for physical damage, which is the largest type of damage for the personnel of the armed forces, in most cases it is not possible to restore the damaged state to the previous state, and usually the damages are converted into money and to the innocent victim in order to compensate the damage. He is paid.

**Key words:** civil responsibility, responsibility of the armed forces, injury and damages.